

بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر

اقبال زارعی*^۱

۱- استادیار گروه روانشناسی، عضو هیات علمی دانشگاه هرمزگان

چکیده

مقدمه: خانواده نخستین محیطی است که کودک در آن پرورش می‌یابد و در رفتار بعدی فرد فوق‌العاده مؤثر است. نوع تشویق‌ها، تنبیه و تحذیرها، بی‌اعتنایی‌ها و رفتارها در مراحل اولیه‌ی زندگی فرد آثاری برای دوره‌های بعدی در او بر جای می‌گذارد. هدف کلی این پژوهش، بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر می‌باشد.

روش بررسی: روش تحقیق این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی است. در این مطالعه شیوه‌های فرزند پروری آسان‌گیرانه، مقتدرانه و مستبدانه با استفاده از پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری والدین بامریند (Bamerind) و رفتارهای پرخطر با مقیاس‌های رفتارهای پرخطر کلونینگر (Cloninger) مورد سنجش قرار گرفتند. نوجوانان رده‌ی سنی ۱۸-۱۱ ساله‌ی شهر بندرعباس و والدین آنها به عنوان جامعه‌ی آماری تعیین شد و ۱۵۰ نفر به عنوان نمونه‌های آماری به طور تصادفی از بین آنها انتخاب شدند.

نتایج: نتایج حاصل از یافته‌های تحقیق نشان داد که بین شیوه‌ی فرزند پروری آسان‌گیرانه والدین و خرده مقیاس یا (Sub Scale) اجتناب از آسیب در مقیاس رفتار پرخطر کلونینگر در سطح معناداری ۰/۰۳۵ و بین شیوه‌ی فرزند پروری دموکراتیک والدین و خرده مقیاس یا (Sub Scale) طهور و نوآوری در آزمون رفتار پرخطر کلونینگر در سطح معناداری ۰/۰۲۲ رابطه وجود دارد. همچنین شیوه‌ی فرزند پروری اقتدار-منطقی و خرده مقیاس یا (Sub Scale) پاداش اجتماعی در مقیاس رفتار پرخطر کلونینگر در سطح معناداری ۰/۰۲۷ نیز با هم رابطه دارند.

نتیجه‌گیری: بین شیوه‌های فرزند پروری والدین و رفتارهای سازنده و مخرب فرزندان به دلیل نقش برجسته و با اهمیت والدین رابطه معنادار وجود دارد. لذا آگاه ساختن والدین و ارائه‌ی آموزش‌های خانواده جهت پرورش افراد سالم در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و سازمان‌های ذیربط می‌بایست در این زمینه نقش فعال‌تری ایفا نمایند.

واژه‌های کلیدی: شیوه‌های فرزند پروری والدین - نوجوان - رفتارهای پرخطر - مقیاس کلونینگر

مقدمه

هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند ادعای سلامت کند چنان‌چه از خانواده‌هایی سالم برخوردار نباشد. بی‌هیچ شبهه هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی نیست که فارغ از تأثیر خانواده به وجود آمده باشد. خانواده اساسی‌ترین نهاد جامعه پذیر کردن کودکان به ویژه در سال‌های حساس اولیه‌ی زندگی است. خانواده تحت شرایط صحیح، کودکان را آماده می‌سازد تا توانایی‌های بالقوه‌ی خود را شناسایی کنند و به عنوان افراد بالغ، نقش‌های سودمندی را در جامعه به عهده گیرند. کودکان در فرآیند جامعه‌پذیری در خانواده، امر و نهی والدین، تقلید و همانندسازی را که از مهم‌ترین شیوه‌های انتقال ارزش‌ها، هنجارها و سنت‌های اجتماعی است یاد می‌گیرند. در حقیقت، در خانواده است که کودکان می‌آموزند که چه چیزی درست و چه چیزی غلط است. طبیعی است که خانواده نقش قابل ملاحظه‌ای در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک دارد شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌برند به سه دسته سهل‌گیرانه، مقتدرانه و دموکراتیک یا اقتدار-منطقی تقسیم می‌شوند در شیوه سهل‌گیرانه والدین اجازه می‌دهند فرزند هرچه خود دوست دارد و یا منطقی می‌داند انجام دهد و هیچ نظارتی بر اعمال او ندارند، در روش مقتدرانه عمدتاً نظر فقط نظر والدین است و فرزند حق هیچ اظهار عقیده‌ای ندارد در غیر این صورت مورد تنبیه والدین قرار می‌گیرند و در شیوه دموکراتیک والدین به طور منطقی بر اعمال فرزند نظارت نموده و در موقعیت مقتضی به او اجاز اظهار نظر می‌دهند (۱).

رفتارهای پرخطر، رفتارهایی هستند که سلامت و بهزیستی نوجوانان و جوانان را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر این اساس رفتارهای پرخطر به دو گروه تقسیم می‌شوند، گروه اول شامل رفتارهایی می‌شوند که بروز آنها سلامت خود فرد را به خطر می‌اندازد و گروه دوم رفتارهایی هستند که سلامت و تندرستی دیگر افراد جامعه را تهدید می‌کند. لذا، از آنجایی که میزان خطرپذیری نوجوانان و جوانان نسبت به دیگر دوره‌های سنی بالاتر است، گرایش بیشتری به این نوع رفتارها دیده می‌شود. از

جمله رفتارهای پرخطری که برای دیگران تهدید کننده می‌باشد می‌توان به رفتارهای ضداجتماعی مثل دزدی، پرخاشگری، گریز از مدرسه، فرار از خانه و رفتارهای جنسی و از جمله رفتارهای پرخطری که برای خود فرد خطرزا می‌باشد می‌توان به مصرف الکل، مصرف سیگار و روابط جنسی نامطمئن اشاره کرد (۲).

در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات و راه‌حل‌های رفتاری دانش‌آموزان مدارس راهنمایی استان همدان که بر روی ۱۱۰۰ دانش‌آموز انجام گرفت مشکلات خانوادگی به عنوان یک طبقه از مشکلات نوجوانان مطرح شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بیشترین مشکلات دانش‌آموزان، مشکلات شخصیتی آنان بود. در جستجو برای یافتن علل بروز مشکلات شخصیتی در بین عوامل شخصی چون سن، جنسیت، ترتیب تولد، وجود نقص عضو و وضعیت تحصیلی و عوامل خانوادگی نظیر تعداد افراد خانواده، سرپرست خانواده، ویژگی‌های مربوط به هر یک از والدین یعنی وضعیت حیات، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل، درآمد ماهانه و ازدواج مجدد و همچنین حضور سایر افراد در خانواده، روابط والدین با یکدیگر و با فرزندان بیشترین تأثیر را در بروز مشکلات شخصیتی نوجوانان داشت. مشکلات شامل مشکلات فرد آزار مثل اضطراب، وسواس، انزوا طلبی و افسردگی و همچنین مشکلات جامعه آزار یعنی مشکلات سلوک می‌باشد. در تأثیر متغیرها، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دیده شده. شباهت آنها این بود که بیشترین رابطه‌ی معنی‌دار با انزواطلبی و افسردگی داشت و با نشانه‌های وسواس به طور یکسان در رابطه بودند و تفاوت آنها این بود که روابط ناسالم والدین با یکدیگر با مشکلات سلوک و همچنین روابط ناسالم آنان با فرزندان با اضطراب بیشترین رابطه را نشان می‌داد و نتیجه گرفته شد وقتی روابط والدین با یکدیگر ناسازگارانه باشد، مشکلات به صورت فرار از خانه، فرار از مدرسه، عصبانیت و پرخاشگری، دروغ‌گویی، دزدی و تقلب جلوه نموده و بیشتر موجب آزار دیگران می‌شود. در حالی که در روابط ناسازگارانه‌ی والدین با فرزند، مشکلات درونی شده و به صورت اضطراب یعنی مشکل

خودآزار عمل می‌نماید و موجب انزوا، افسردگی و یا بروز سواس و اختلالات عادت‌ی در نوجوان می‌شود (۳).

در بررسی از ۴۰ نوجوان ۱۸-۱۳ ساله‌ی پسر تهرانی که به دلایل و انگیزه‌های مختلف خانه را برای چند ساعت تا چند روز ترک کرده بودند نشان داد که کمبود عاطفی درگیری‌های ارزشی با والدین، شرایط نامناسب زندگی در خانه به دلیل فوت، جدایی یا ازدواج مجدد یکی از والدین و فشارهای ناشی از اختلافات بین والدین، علل به وجود آورنده‌ی فرار از خانه بودند (۴). در مطالعه‌ی ای که روی ۳۰۰ دختر جوان مجرم انجام شد نشان داد که ۱۵٪ از آنان به علل مختلف از عوامل خانوادگی و مهر مادری محروم بوده‌اند (۵).

در تحقیقی تحت عنوان نقش همسالان بر مصرف سیگار توسط نوجوانان به بررسی تأثیرات همسالان بزهکار و سیگاری بر گرایش نوجوانان به مصرف سیگار پرداخته شد. مهم‌ترین نتیجه‌ی به دست آمده حاکی از آن بود که اگر والدین رفتاری خصومت آمیز، سهل‌انگارانه، یا استشهاده‌گرایانه داشته باشند، همسالان علاقه‌مند و توانا، نه تنها مفری برای نوجوانان محسوب می‌شوند بلکه او را درک کرده و از او حمایت می‌کنند (۶).

در مطالعه‌ای که بررسی سبک‌های زندگی بزهکارانه نوجوانان پرداخت مشخص شد کسانی که دچار انحراف شده‌اند و میزان ارتکاب آنها به اعمال انحرافی مثل مصرف سیگار با الکل یا ماری‌جوانا بسیار بیشتر است و الگوهای سالم سبک زندگی در زندگی روزمره‌ی آنها اصلاً دیده نمی‌شود یا بسیار کم است (۷).

بنابراین در این مقاله سعی شده است به این پرسش پاسخ داده شود که آیا بین شیوه‌های فرزند پروری والدین بارتکاب رفتارهای پرخطر نوجوان رابطه‌ای وجود دارد؟ همچنین آیا بین خرده مقیاس شیوه‌های فرزند پروری والدین مانند شیوه آسانگیری، دموکراتیک و استبدادی رابطه وجود دارد؟

روش بررسی

تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. در این مطالعه شیوه‌های فرزند پروری والدین به عنوان متغیر پیش‌بین و بروز رفتارهای پرخطر متغیر ملاک محسوب می‌شود.

اهداف اختصاصی این مطالعه شامل موارد زیر بود:

الف) بررسی نقش والدین مقتدر در ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر

ب) بررسی نقش والدین آسان‌گیر در ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر

ج) بررسی نقش والدین مستبد در ارتکاب نوجوانان به رفتارهای پرخطر.

جامعه‌ی آماری، نوجوانان رده‌ی سنی ۱۸-۱۱ سال شهر بندرعباس و والدین آنها بود که ۱۵۰ نفر از آنها به طور تصادفی انتخاب شدند.

ابزار تحقیق مورد استفاده، دو پرسشنامه بود که یکی از آنها پرسشنامه‌ی محقق ساخته‌ی رفتارهای پرخطر نوجوانان پرسشنامه رفتارهای پرخطر کلونینگر (Cloninger) دارای ۵۰ ماده است که ۹ ماده اول آن به بررسی ویژگی‌های خانوادگی و ۴۱ ماده‌ی آن به بررسی رفتارهای پرخطر نوجوان می‌پردازد. جهت سنجش روایی این آزمون از روش روایی یا اعتبار همزمان استفاده شد

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری بامریند (Bamerind) اقتباسی است از نظریه‌ی اقتدار والدین که بر اساس نظریه‌ی بامریند از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار-منطقی والدین جهت بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری ساخته شده است. این پرسشنامه قبلاً توسط مورد استفاده قرار گرفته است. پایایی این پرسشنامه را برای آزادگذاری ۶۹٪، برای استبدادی ۷۷٪ و اقتدار-منطقی ۷۳٪ گزارش شده است (۸).

نتایج

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که بین دو متغیر شیوه‌های فرزند پروری و ارتکاب نوجوانان به رفتار پرخطر رابطه وجود دارد. در این مطالعه، رابطه‌ی بین شیوه‌ی فرزند پروری آزادگذاری و خرده مقیاس اجتناب از آسیب در رفتار پرخطر در سطح معناداری ۰/۰۳۵ تأیید شد، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین دو متغیر رابطه وجود دارد. رابطه‌ی بین شیوه‌ی فرزند پروری اقتدار-منطقی

و خرده مقیاس بدیع طلبی در رفتار پر خطر نیز در سطح معناداری ۰/۰۲۲ تأیید شد، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین این دو متغیر نیز رابطه وجود دارد.

بر اساس یافته‌های این مطالعه بین شیوه‌ی فرزند پروری اقتدار- منطقی و خرده مقیاس پاداش اجتماعی در رفتار پرخطر با سطح معناداری ۰/۰۲۷ نیز رابطه وجود دارد.

جدول ۱: مربوط به ضرایب ساده‌ی همبستگی پیروان بین متغیرهای مختلف تحقیق

شیوه‌های فرزند پروری	سطح فعالیت	وظیفه‌مداری	هیجان خواهی منفی	انعطاف ناپذیری	اجتناب از آسیب	بدیع طلبی	پاداش اجتماعی	عدم خود کنترلی یا عوامل خطر ساز
ضرب همبستگی (r)	۰/۰۸۹	۰/۰۲۴	-۰/۰۵۹	-۰/۰۶۴	-۰/۱۷۲	-۰/۱۰۰	۰/۰۴۹	۰/۰۹۳
آزاد گذاری	سطح معناداری	۰/۷۷۰	۰/۴۷۲	۰/۴۳۸	۰/۰۳۵	۰/۲۲۵	۰/۵۴۸	۰/۲۵۶
تعداد	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
ضرب همبستگی (r)	-۰/۰۲۷	-۰/۰۴۱	-۰/۰۵۲	۰/۰۶۵	-۰/۰۶۲	۰/۰۳۷	-۰/۰۱۲	-۰/۰۵۴
استبدادی	سطح معناداری	۰/۷۴۲	۰/۶۱۸	۰/۴۲۶	۰/۴۵۲	۰/۶۵۲	۰/۸۸۴	۰/۵۱۲
تعداد	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
مقتدر- (r)	۰/۱۰۵	۰/۰۷۲	۰/۰۲۵	۰/۰۴۰	۰/۰۵۱	۰/۱۸۶	-۰/۱۸۱	۰/۱۰۱
منطقی	سطح معناداری	۰/۱۹۹	۰/۳۸۲	۰/۷۵۸	۰/۶۲۶	۰/۵۳۵	۰/۰۲۷	۰/۲۱۹
تعداد (N)	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰

بحث

با توجه به یافته‌ها، خانواده به عنوان عنصر و عامل اصلی شخصیت بخشی به نوجوان نقش عمده‌ای بر عهده دارد. نوجوان برای به دست آوردن اعتماد به نفس به حمایت‌های خانواده‌ی خود نیازمند است. محیط خانواده و برخورد والدین با نوجوان تأثیر به‌سزایی در تکوین شخصیت فرد می‌گذارد. نتایج این مطالعه نشان داد شیوه‌های فرزند پروری آزاد گذاری و خرده مقیاس اجتناب از آسیب رابطه معنادار معکوس وجود دارد. بنابراین، این شیوه فرزند پروری زمینه را برای بروز آسیب فراهم می‌سازد. همچنین شیوه فرزند طلبی دموکراتیک با طهورانه یا بدیع طلبی و پاداش اجتماعی مرتبط بوده. نتایج حاصله به نوعی با نتایج پژوهش‌های (۶،۹-۱۱) همسویی و هماهنگی دارد. بنابراین خانواده نقش بسیار کلیدی و با اهمیتی در بروز و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر در نوجوانان را به

عهده دارد، لذا آماده ساختن فرد برای زندگی در خارج از محیط خانوادگی یکی از بزرگترین وظایف اجتماعی پدر و مادر است و کیفیت روابط خانوادگی، تأثیر عمیق و پایداری بر تحول روانی افراد بر جای می‌گذارد. خانواده‌ای که از توان و امکانات لازم برخوردار است تا وظایف پدر و مادرش را به نحوی مطلوب و با موفقیت انجام دهد در هر یک از اعضایش احساس ایمنی، وابستگی و رفاقت ایجاد می‌کند. همچنین احساس داشتن هدف و جهت و پیشرفت و ارزش فردی را در آنان به وجود می‌آورد.

شیوه‌های والدین و روش‌های انضباطی آنان بی‌تردید تحت تأثیر خصوصیات شخصیتی و سیستم اعتقادی آنان است. والدین سالم و بالغ در مقایسه با والدین نابالغ و ناسالم معمولاً با حساسیت و مهربانی بیشتری به

نتیجه گیری

والدین با به کارگیری شیوه‌های مطلوب و صحیح فرزند پروری می‌توانند، فرزندان شایسته و سالم بار آورند. در این جا مسئولیت رسانه‌ها و سایر مؤسسات این است که اطلاع رسانی لازم را انجام داده و با تبلیغات، بروشورها، برگزاری کلاس‌های آموزشی برای والدین در مدارس و آموزش شیوه‌های صحیح برخورد با نوجوان در رسانه‌ها، موضوع را برای خانواده‌ها شفاف سازی نموده و در این امر یاریگر خانواده‌ها باشند.

نیازها و اشارات کودکان توجه می‌کنند و این نوع فرزند پروری امنیت عاطفی، استقلال، توانش اجتماعی و موفقیت هوشی را تشویق می‌کند. اکثر قریب به اتفاق صاحب نظران بر این مقوله اتفاق نظر دارند که نوجوانی، دورانی بسیار بحرانی است که عوامل خطر ضمن تهدید سلامت روانی، اجتماعی و عاطفی نوجوانی می‌توانند بر پیکر وجودی آنها هم تأثیرات جبران ناپذیری وارد آورند(۱۱).

منابع

- 1- Setodeh H. *Social pathology*. 12th ed. Tehran: Avay Noor; 2004.P.18-23.[Persian]
- 2- Shamlo S. *Psychological pathology*. 8th ed. Tehran: Roshd; 2004.P.132-55.[Persian]
- 3- Karbasi MA. *Behavioral problems and difficults in secondary school of Hamadan state*. Hamadan Researches Education; 1995.P.22-9.[Persian]
- 4- Mazlomi F. *Mediators of the stress- substance- use relationship in male adolescents*. Papers Abstract Symposium in Treat State. 1992.P .56-8.[Persian]
- 5- Karami noory R. *The study of relationship Exclusiveness behavior and family structural*.Tehran: Educational Papers Abstract; Tarbiat. 1992.P.37-9.[Persian]
- 6- Hibati J. *A survey of relationship parents child rearing practices and stress encounter practice in boy and girl students in Zerghan city*. Fars state researches education. 2004. P.17-23.[Persian]
- 7- Eghlima M. *Social discipline and its role in prevention of social pathology*. Tehran: Espand Honar; 2004. P.66-71.[Persian]
- 8- Esfandiari H.. *Reliability and validation of scale for the measurement parents child rearing practices and relationship its life skills in high schools students Minab*. Hormozgan state researches education 2005.P.71-72.[Persian]
- 9- Cloninger CR. *The science of well-being: An integrated approach to mental health and its disorders*. World Psychiatry. 2006; 5: 71-6.
- 10- Cloninger CR, Svrakic DM, Przybeck TR. *Can personality assessment predict future depression? A twelve-month follow-up of 631 subjects*. J Affective Disorder. 2006;92 (1): 35-44.
- 11- Cloninger CR. *Completing the psychobiological architecture of human personality development: Temperament, Character, & Coherence*. In: UM. Staudinger, UER. Lindenberger (Editor), *Understanding human development: Dialogues with lifespan psychology*. Boston: Kluwer Academic Publishers;2003.P.159-82